



کندوکاوی در فرهنگ مطالعه‌ی اعضای هیأت علمی دانشگاه شیراز

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۱/۱۴

دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۶

چکیده

سابقه و هدف: اهمیت مطالعه در زمینه پیشبرد جوامع به سوی تعالی، بر کسی پوشیده نیست و در میان اقشار جامعه از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها انتظار بیشتری می‌رود که در جهت تحقق این امر بکوشند. بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد با بررسی فرهنگ مطالعه اعضای هیأت علمی دانشگاه شیراز گامی در جهت تعیین دورنمایی از وضعیت مطالعه در میان این قشر از جامعه بردارد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش پیمایش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری این مطالعه شامل ۶۰۳ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه شیراز بودند که از بین آنها ۲۶۲ نفر به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند و میانگین میزان مطالعه‌ی اساتید بر اساس ساعت در هفته گزارش شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس یکطرفه و تی مستقل استفاده گردید.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مطالعه تخصصی اعضای هیأت علمی دانشکده علوم با میانگین ۲۹/۳۵، بیشترین میزان و دانشکده‌ی علوم اجتماعی با میانگین ۳۳/۱۲، کمترین میزان را داراست. دانشکده‌ی کشاورزی و علوم اجتماعی نیز به ترتیب با میانگین ۱۰/۱۰ و ۳۳/۲۲ حائز بالاترین و پایین‌ترین میزان میانگین به لحاظ مطالعه‌ی غیر تخصصی شده‌اند. همچنین یافته‌های پژوهش مبین آن است که مطالعه‌ی غیر تخصصی مردان به طور معناداری بیشتر از زنان است ($t = -3/68$ و $p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: مهمترین عامل موثر بر کاهش میزان مطالعات تخصصی اعضای هیأت علمی، مشکلات فردی و همچنین مهمترین عامل کاهش میزان مطالعه‌ی غیر تخصصی از دیدگاه آنان، حجم زیاد زمان اختصاص یافته به امور تدریس بوده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ مطالعه، اعضای هیأت علمی، دانشگاه شیراز

سعیده ابراهیمی (PhD)^۱

زهرا هنرجویان (BA)^۱

فاطمه ستاره (MA)^{۱*}

معصومه خسروی زاده (MA)^۲

۱. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مرکز منطقه ای شیراز، شیراز، ایران.

*نویسنده مسئول:

فاطمه ستاره

شیراز، میدان ارم، مجتمع دانشگاهی پردیس ارم، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

Email:

rahian1370@gmail.com

مقدمه

حل این معضل است. امروزه توجه به کتاب و کتابخوانی نشانگر رشد فرهنگی و ملی هر کشور است و تعداد کتاب‌ها و نشریه‌های منتشر شده‌ی هر کشور در سال، کتابخانه‌ها، کتابخوان‌ها، نویسندگان، مترجمان و ناشران به عنوان معیارهای اساسی توسعه یافتگی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، توسعه کتابخانه‌ها، چاپ و انتشار کتاب و شیوه بهره‌گیری از این ابزار بی‌رقیب فرهنگی، ضرورت رشد و تعالی جامعه به سوی کمال است (۳).

یکی از دغدغه‌های اصلی این پژوهش میزان مطالعه می‌باشد، اگرچه بررسی همه اقشار جامعه حائز اهمیت می‌باشد ولی از جمله مشوقان و موثران در این وادی، اساتید دانشگاه‌ها می‌باشند. آن‌ها برای جامعه الگو هستند و می‌توانند با کلام دلنشین خود ذهن جوانان را شکل دهند و آنها را سرشار از بصیرت کنند. به هر حال اساتید خود موظف به مطالعه تخصصی می‌باشند ولی این امر به تنهایی کافی نیست. جامعه بدون مطالعه غیرتخصصی (مطالعات فرهنگی، اجتماعی و دینی) نمی‌تواند به رشد و پویایی خود ادامه دهد. قابل ذکر است که

نگاهی تاریخی به موضوع مطالعه بیانگر آن است که با تأسیس آموزش و پرورش مدرن در ایران از زمان پهلوی اول، چون قاطبه خانواده‌های ایرانی فاقد سواد بودند، از دید آنها مطالعه و تشویق فرزندان به کتابخوانی، تنها در حوزه کتاب‌های درسی اطلاق می‌شد. والدین امروز هم با پیروی از همان شیوه‌ی گذشتگان خود مطالعه برای کتابخوانی را صرفاً همان کتاب‌های آموزشی و تحصیلی برای فرزندان خود می‌دانند (۱). شاهد این اتفاق، آماری است که یونسکو در سال ۱۹۹۸ منتشر کرد و نشان‌دهنده آن است که در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵)، یعنی بیست سال بعد از حکومت پهلوی نیز، وضع مطبوعات ایران در مقایسه با سایر کشورها بر حسب تعداد نسخه‌های روزنامه برای هر هزار نفر، بسیار تأسف بار بود. همچنین میزان روزنامه‌خوانی در ایران حتی در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه بسیار پایین بوده است. در این آمار، ایران حتی پایین‌تر از عربستان، کویت، لبنان و بحرین قرار گرفته است (۲). آمارها خود گویای رضایت بخش نبودن میزان مطالعه در گذشته است و در عین حال بیانگر میزان اهمیت این مسأله و موشکافی آن در عصر حاضر و نهایتاً اندیشیدن چاره‌ای برای

Armstrong و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر آموزش بر میزان مطالعه فارغ التحصیلان جهت یادگیری مادام‌العمر" به این نتیجه دست یافتند که فارغ التحصیلان با درجه بیشتر نسبت به دانشجویان تازه وارد مشارکت بیشتری در مجلات داشته‌اند (۱۱).
 Banou و همکاران در پژوهشی تحت عنوان "رفتار مطالعاتی دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه: سیاست‌های مطالعاتی کتابخانه‌های دانشگاهی یونان" به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان کارشناسی، نسبت به عموم جمعیت، رفتارهای مطالعاتی متفاوتی دارند (۱۲). Loan در پژوهش خود تحت عنوان "عادت‌های مطالعاتی دانشجویان شهری و روستایی دانشکده در قرن بیست و یکم" به این نتایج دست یافت که فرهنگ مطالعه در بین دانشجویان شهری نسبت به روستایی بیشتر توسعه یافته است و دو عامل "آموزش برای همه" و "اطلاعات برای همه" نیاز به تأکید بیشتری در جامعه اطلاعاتی دارند (۱۳).

بررسی پیشینه‌ها نکاتی را خاطر نشان می‌نماید که از آن جمله می‌توان به کافی نبودن میزان مطالعه در بین اقشار مختلف جامعه اشاره کرد. دلیل این امر را باید در موانعی همچون حجم زیاد دروس، هزینه بالای تهیه منابع، رفتارهای غلط مطالعاتی، نامناسب بودن شرایط فیزیکی کتابخانه و... جست و جو کرد.

ولی متأسفانه در رابطه با میزان مطالعه‌ی اساتید، هیچ پژوهشی صورت نگرفته است و جای خالی این مبحث، محققان این پژوهش را بر آن داشت تا مطالعات پژوهشی خود را بر پایه بررسی میزان مطالعه اساتید دانشگاه شیراز و عوامل مؤثر بر آن بنا کنند تا گامی هر چند کوچک جهت نیل به تعالی فرهنگی و اجتماعی جامعه برداشته شود. علاوه بر این متولیان در حوزه‌ی برنامه ریزی پژوهشی کشور نیز می‌توانند از نتایج این قبیل پژوهش‌ها جهت رفع نقایص برنامه‌ریزی خود استفاده کنند و به بهبود تصمیمات خود بپردازند.

مواد و روشها

پژوهش حاضر به روش پیمایش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، اساتید دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ می‌باشند که از مجموع ۶۰۳ عضو هیأت علمی دانشگاه، ۲۶۲ نفر به عنوان نمونه‌ی پژوهش انتخاب گردید.

روش نمونه‌گیری از نوع طبقه‌ای است. حجم نمونه از جدول مورگان استخراج شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، بر مبنای پرسشنامه به کار گرفته شده در پژوهش جوان‌بخت (۱۳۸۹) تدوین شده است (۷). نکته حائز اهمیت این است که با توجه به جامعه‌ی آماری، حجم نمونه‌ی مشخص شده در جدول مورگان، ۲۳۴ واحد می‌باشد. اما برای افزایش ضریب اطمینان از کامل شدن پژوهش، حجم نمونه ۲۸ (حدود ۱۰٪) واحد بیشتر در نظر گرفته شد. این کار به افزایش اطمینان از عودت پرسشنامه‌ها از سوی استادان کمک کرد، چرا که این افراد به دلیل مسئولیت‌های فراوان کاری، اغلب یا اقدام به پرکردن پرسشنامه نمی‌کردند و یا اهمیت چندانی برای بازگرداندن

پژوهش‌های مختلفی میزان مطالعه اقشار مختلف جامعه را مورد بررسی قرار داده است.

پژوهش‌های گوناگونی در رابطه با میزان مطالعه صورت گرفته است. در این راستا، شعبانی و فاضل در پژوهشی به شیوه پیمایشی تحت عنوان "مطالعه‌ی غیر درسی دانشجویان دوره متوسطه و شناسایی عوامل مؤثر از نظر دانش‌آموزان شهرضا" به این نتایج دست یافتند که مطالعه‌ی غیر درسی پسران کمتر از دختران است. حجم زیاد دروس موجب کاهش مطالعه‌ی غیر درسی، و تجهیزات کتابخانه و تبلیغات کتابخوانی موجب افزایش آن شده است (۴).

"بررسی میزان گرایش به مطالعه‌ی غیر درسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود" که توسط ترکیان تبار به شیوه توصیفی انجام شد؛ بیانگر آن است که مهم‌ترین انگیزه‌ی مطالعه‌ی غیر درسی دانشجویان، آموزش و یادگیری بوده است (۵). سامانیان در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی مطالعه‌ی غیر درسی دانشجویان و شناسایی عوامل مؤثر بر آن از نظر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد" با روش توصیفی - تحلیلی دریافت که اولویت اول مطالعه از نظر دانشجویان، موضوعات علمی و اولویت آخر موضوعات حقوقی بوده است (۶).

جوان بخت در پژوهشی با روش توصیفی - پیمایشی، به بررسی وضعیت مطالعه در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز پرداخته است که یافته‌ها نشان می‌دهد دانشکده‌های مهندسی و علوم تربیتی به ترتیب بیشترین و کمترین میزان مطالعه را در بین دانشکده‌های دانشگاه شیراز دارا بودند. همچنین میزان مطالعه‌ی غیردرسی در بین دانشجویان مجرد و متأهل تقریباً یکسان، اما میزان مطالعه‌ی درسی متأهلین بیشتر از افراد مجرد است (۷).

رضوی طوسی و باقری در پژوهشی پیمایشی با عنوان "مقایسه میزان مطالعه شهروندان تهرانی در بین سال‌های ۸۸-۱۳۸۷"، به این نکته دست یافتند که شهروندان تهرانی در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال قبل از آن مطالعه کمتری داشته‌اند، که این کاهش مربوط به نشریات، مجلات و روزنامه‌ها بوده است و به حوزه کتب درسی و غیر درسی بی‌ارتباط است (۸).

نتایج حاصل از "بررسی وضعیت مطالعه زنان شاغل و خانه دار شهر شیراز" که توسط کیانی خوزستانی، رضایی شریف آبادی و سام انجام گردید، بیانگر آن است که زنان شاغل نسبت به زنان خانه دار از برنامه مطالعاتی بیشتر پیروی می‌کنند. همچنین برنامه‌ریزی دقیق و عملی از جمله ضرورت‌هایی است که در افزایش عادت به مطالعه تأثیر گذار بوده است (۹).

مرادمند در پژوهشی به بررسی تطبیقی وضعیت مطالعه‌ی غیردرسی دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان پرداخت. یافته‌های پژوهشی وی نشان داد که میان عضویت دانشجویان در کتابخانه و میزان مطالعه‌ی غیر درسی تفاوت معناداری وجود دارد. و همچنین پسران نسبت به دختران مطالعه‌ی بیشتری داشته‌اند (۱۰).

پرسشنامه به محقق قائل نمی‌شدند. پرسشنامه‌ها به صورت حضوری در بین اعضای جامعه پژوهش توزیع شد. عدم حضور برخی استادان در دفتر کارشان و همچنین مفقود شدن برخی پرسشنامه‌ها نزد آن‌ها، مستلزم پیگیری مجدد از سوی محقق بود که این کار در سه نوبت انجام شد. نهایتاً تعداد ۹۷ پرسشنامه عودت داده شد که این تعداد معادل ۴۱/۴۵٪ حجم نمونه است. ابزار تحلیل داده‌ها، در این مطالعه، نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ بود. روش مورد استفاده جهت تحلیل داده‌ها نیز آمار توصیفی و استنباطی شامل تحلیل واریانس یک‌طرفه و تی مستقل می‌باشد. لازم به ذکر است که با توجه به اطلاعات موجود در پرسشنامه‌های عودت داده شده، حدود ۱۰

پرسشنامه که اعتبار پاسخ‌دهی در آن از نظر پژوهشگر محل سوال بود از تجزیه و تحلیل خارج شد، و تحلیل نهایی با ۸۷ پرسشنامه انجام شد.

یافته‌ها

میزان مطالعه‌ی تخصصی و غیر تخصصی اساتید دانشگاه شیراز در کل و به تفکیک جنسیت، دانشکده، مرتبه علمی و وضعیت تأهل، میانگین و انحراف استاندارد میزان مطالعه‌ی تخصصی و غیر تخصصی به تفکیک موارد ذکر شده در جدول زیر آورده شده است (جدول ۱).

جدول ۱: میانگین میزان مطالعه (ساعت در هفته) به تفکیک جنسیت، دانشکده، مرتبه علمی و وضعیت تأهل

میزان مطالعه غیر تخصصی	میزان مطالعه تخصصی	فراوانی		
		انحراف معیار ± میانگین	انحراف معیار ± میانگین	
۷/۴۱ ± ۷/۱۶	۲۶/۱۶ ± ۱۵/۰۵	۷۶	مرد	جنسیت
۳/۵ ± ۲/۱۲	۲۶ ± ۲۲/۱۳	۱۱	زن	
۷ ± ۸/۱۲	۲۵/۲۵ ± ۱۲/۵۷	۱۲	دامپزشکی	دانشکده
۱۰/۱۰ ± ۸/۴۹	۲۵/۰۷ ± ۱۳/۷۷	۲۹	کشاورزی	
۵/۱۱ ± ۴/۵۴	۲۳/۷۸ ± ۱۰/۹۴	۹	علوم انسانی	
۲/۳۳ ± ۳/۲۱	۱۲/۳۳ ± ۴/۶۲	۳	علوم اجتماعی	
۳/۲۹ ± ۲/۵۶	۲۹/۷۵ ± ۲۵/۳۶	۸	علوم تربیتی	
۶ ± ۶/۱۶	۲۲/۲۵ ± ۱۰/۸۱	۴	حقوق و علوم سیاسی	
۶ ± ۴/۹۵	۳۵/۲۹ ± ۱۹/۳۱	۱۷	علوم	
۳/۶۰ ± ۳/۹۷	۱۷ ± ۵/۷	۵	مهندسی	مرتبه علمی
۱۱/۸۶ ± ۹/۴۲	۲۶/۶۰ ± ۱۴/۳۶	۱۵	استاد	
۷/۴۲ ± ۵/۳۲	۲۵/۴۴ ± ۱۵/۹۰	۱۹	دانشیار	
۵/۵۶ ± ۶/۱	۲۶/۲۴ ± ۱۶/۶۵	۵۴	استادیار	وضعیت تأهل
۱۲ ± ۱۴/۳۰	۱۸/۸۳ ± ۸/۶۱	۶	مجرد	
۶/۴۵ ± ۵/۵۲	۲۶/۳۸ ± ۱۶/۳۲	۷۴	متاهل	
۶/۹۵ ± ۶/۸۸	۲۶/۱۴ ± ۱۵/۹۵	۸۷	کل	

یافته‌های جدول نشانگر آن است که مطالعه‌ی تخصصی در دانشکده‌ی علوم (با میانگین $۱۹/۳۱ \pm ۳۵/۲۹$) بیشترین میزان و در دانشکده‌ی علوم اجتماعی (با میانگین $۱۲/۳۳ \pm ۴/۶۲$) کمترین میزان را داراست. دانشکده‌ی کشاورزی و علوم اجتماعی به ترتیب (با میانگین $۱۰/۱۰ \pm ۸/۴۹$ و $۲/۳۳ \pm ۳/۲۱$) حائز بالاترین و پایین‌ترین میزان میانگین به لحاظ مطالعه‌ی غیر تخصصی شده‌اند (جدول ۱). در جدول ۲ میانگین درجه اهمیت هر یک از عوامل آورده شده است. عدد کمتر به معنای اهمیت بیشتر است. از بین عوامل مؤثر بر کاهش

میزان مطالعه‌ی تخصصی، عدم علاقه به رشته از کم اهمیت‌ترین و مشکلات فردی پر اهمیت‌ترین عامل بوده‌اند. هم‌چنین از میان عوامل مؤثر بر افزایش میزان مطالعه‌ی تخصصی، علاقه شخصی و ارتقای علمی از بیشترین فراوانی برخوردار است. از بین عوامل مؤثر بر کاهش میزان مطالعه غیر تخصصی، حجم زیاد تدریس از بیشترین فراوانی برخوردار است. هم‌چنین از میان عوامل مؤثر بر افزایش میزان مطالعه غیر تخصصی، افزایش اطلاعات عمومی از بیشترین فراوانی برخوردار بود (جدول ۲).

جدول ۲: آماره های توصیفی عوامل موثر بر مطالعه تخصصی و غیر تخصصی استادان دانشگاه شیراز

عوامل موثر بر کاهش مطالعه‌ی تخصصی	انحراف استاندارد \pm میانگین
عدم علاقه به رشته	$3/54 \pm 1/21$
مشکلات فردی	$2/65 \pm 1/25$
عدم دسترسی به منابع	$3/13 \pm 1/32$
هزینه بالای تهیه منابع	$3/14 \pm 1/24$
کمبود وقت به دلیل همکاری با موسسات	$3/11 \pm 1/23$
عوامل موثر بر افزایش مطالعه‌ی تخصصی	انحراف استاندارد \pm میانگین
علاقه شخصی	$1/19 \pm 0/34$
سهل الوصول بودن منابع	$2/13 \pm 1/01$
ارتقای علمی	$1/90 \pm 1/022$
رقابت سازنده با همکاران	$2/48 \pm 1/15$
عوامل موثر بر کاهش مطالعه‌ی غیر تخصصی	انحراف استاندارد \pm میانگین
حجم زیاد تدریس	$1/89 \pm 0/924$
مشکلات فردی	$2/64 \pm 1/16$
هزینه بالای تهیه منابع	$3/46 \pm 1/097$
کمبود وقت	$2/77 \pm 1/32$
جذابیت بیشتر دیگر رسانه ها	$3/26 \pm 1/15$
عوامل موثر بر افزایش مطالعه‌ی غیر تخصصی	انحراف استاندارد \pm میانگین
افزایش اطلاعات عمومی	$2/19 \pm 1/026$
اجبار نظام آموزشی	$3/68 \pm 1/11$
سهل الوصول بودن منابع	$2/87 \pm 1/2$
افزایش تعامل با دیگر رشته ها	$2/56 \pm 1/148$

بیش از ۸۹ درصد از افراد، هدف از مطالعه‌ی غیر تخصصی را افزایش اطلاعات عمومی ذکر کرده اند (جدول ۳).

جدول ۴: درصد فراوانی پژوهش‌های غیر تخصصی

نوع پژوهش غیر تخصصی	فراوانی	درصد فراوانی
تألیف مقاله	۱۷	۱۷/۵
تألیف کتاب	۷	۷/۲
انجام طرح پژوهشی	۸	۸/۲
شرکت در سمینار دیگر رشته‌ها	۲۶	۲۶/۸

جدول ۳: درصد فراوانی اهداف مطالعه‌ی غیر تخصصی

اهداف	فراوانی	درصد فراوانی
افزایش اطلاعات عمومی	۸۷	۸۹/۷
اقتضای رشته	۱۴	۱۴/۴
افزایش تعامل با دیگر رشته ها	۳۷	۳۸/۱
گذران اوقات فراغت	۳۲	۳۳
علاقه به انجام فعالیتهای علمی	۲۷	۲۷/۸

در زمینه غیر تخصصی

ترتیب، تألیف مقاله و انجام طرح‌های پژوهشی و تألیف کتاب بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند. بنابراین بیشترین نوع پژوهش غیر تخصصی از نوع شرکت در سمینار دیگر رشته ها بوده است (جدول ۴).

در رابطه با پژوهش‌های انجام شده در زمینه ی موضوعی غیر تخصصی از سوی استادان دانشگاه شیراز، از بین ۸۷ نفر از استادان شرکت‌کننده در این پژوهش، ۳۴ نفر در زمینه‌ی غیر تخصصی پژوهش انجام داده اند. از میان این استادان حدود ۲۷ درصد از آنان گزینه شرکت در سمینار دیگر رشته‌ها را برگزیدند. و بعد از آن به

جدول ۵: میزان مطالعه تخصصی و غیر تخصصی به تفکیک جنسیت (معیار: ساعت در هفته)

P	مقدار t	درجه آزادی	جنسیت		متغیر مستقل ←
			مرد	زن	متغیر وابسته ↓
			انحراف استاندارد ± میانگین	انحراف استاندارد ± میانگین	
۰/۹۸۲	-۰/۰۲۳	۱۱/۳۸	۲۶/۱۶ ± ۱۵/۰۵	۲۶ ± ۲۲/۱۴	میزان مطالعه تخصصی
۰/۰۰۱	-۳/۶۸	۴۴/۳۰	۷/۴۱ ± ۷/۱۶	۳/۵ ± ۲/۱۲	میزان مطالعه غیر تخصصی

همکاران همسو می‌باشد. این پژوهشگران بر این باورند که بین شیوه مطالعه سریع خوانی بر حسب نوع دانشکده تفاوت معناداری وجود دارد (۱۴). این مسأله نیز در میزان مطالعه دخیل می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی میزان مطالعه تخصصی و غیر تخصصی در بین استادان، نشانگر آن است که میزان مطالعه غیر تخصصی در مردان بیش از زنان است، اما از لحاظ مطالعه تخصصی تفاوت معناداری بین زنان و مردان دیده نشد که به نظر می‌رسد دلایل زیر در رخداد آن دخیل باشد. در بحث از افزایش میزان مطالعه‌ی غیر تخصصی می‌توان چنین استدلال کرد که تعداد استادان مرد شرکت‌کننده، بیش از استادان زن است. این امر طبعاً میزان ساعات مطالعه در هفته را در بین مردان نسبت به زنان افزایش خواهد داد و هم چنین این مسأله را می‌توان مطرح کرد که استادان زن علاوه بر وظایف محوله از سوی نظام آموزشی، دغدغه‌های مدیریتی امور خانه را نیز برعهده دارند و این امر، مسئولیتی مضاعف را بر آنان تحمیل نموده و تا حدی باعث کاهش ساعات آزاد آن‌ها شده و نهایتاً افت میزان مطالعه‌ی غیر تخصصی را در بین آنها در پی خواهد داشت. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های مرادمند همسو می‌باشد (۱۰). دیگر یافته‌ها نیز نشان داد که میزان مطالعه تخصصی افراد متأهل بیشتر از مجرد است که با یافته‌های جوانبخت همخوانی دارد (۷)، اما در رابطه با مطالعه تخصصی، نکته قابل توجه، کار گروهی اعضای هیأت علمی است؛ کار گروهی، تلاشی جمعی را می‌طلبد. تناسب در تقسیم وظایف محوله به افراد در یک گروه، آنان را به پیشروی در یک راستا و هماهنگ با یکدیگر، آن هم در جهت نیل به اهداف از پیش تعیین شده سوق می‌دهد. اعضای هیأت علمی در هر رشته‌ای به مثابه یک خانواده، به قصد فتح قله‌های علمی، هریک به تناسب میزان بهره‌مندی خویش از دانش تخصصی، می‌بایست در حد توان خود، خانواده علمی خود را از علم روز غنی‌تر سازند. همچنین در قوانین موضوعه‌ی آموزش عالی نیز، شرایط احراز رتبه علمی فارغ از جنسیت، یکسان است.

نتیجه آنکه، یکسان بودن شرایط، ممکن است منجر به یکسان شدن نسبی میزان فعالیت‌ها و از آن جمله مطالعه شود. شاید یکسان بودن نسبی میزان مطالعه‌ی استادان در یک گروه، گامی در جهت تحقق این مهم در جامعه علمی کشور به شمار آید. از سویی دیگر، نتایج نشان داد که استادان با درجه علمی استادی، به طور معنی‌داری میزان مطالعه‌ی غیر تخصصی بیشتری نسبت به استادان با درجه علمی استادیاری داشتند. طبق نتایج کاظم پور و اشرفی ریزی، عوامل

با توجه به توزیع نرمال داده‌ها، جهت بررسی تفاوت بین استادان زن و مرد در مطالعه‌ی تخصصی و غیر تخصصی از آزمون t مستقل استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که بین استادان زن و مرد در مطالعه‌ی غیر تخصصی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($t = -3/68$) و ($p < 0/001$). به عبارت دیگر مردان به طور معنی‌داری بیشتر مطالعه‌ی غیر تخصصی دارند. تفاوت معنی‌داری بین استادان زن و مرد در میزان مطالعه‌ی تخصصی بدست نیامد (جدول ۵).

جهت آزمون تفاوت بین میزان مطالعه‌ی تخصصی و غیر تخصصی استادان در مرتبه‌های علمی مختلف، از تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید که طبق نتایج بدست آمده، تفاوت بین هیچکدام از مرتبه‌های علمی در میزان مطالعه‌ی تخصصی در سطح $0/05$ معنادار نیست. اما نتایج تحلیل واریانس یکطرفه برای تفاوت مطالعه‌ی غیر تخصصی در بین استادان با درجه‌های مختلف علمی معنادار شد.

برای بررسی این نکته که بین کدام یک از درجه‌های علمی از لحاظ میزان مطالعه‌ی غیر تخصصی تفاوت معنی‌داری وجود دارد از آزمون تعقیبی شفه استفاده گردید. نتایج نشان داد که استادان با درجه علمی استادی به طور معنی‌داری میزان مطالعه‌ی غیر تخصصی بیشتری نسبت به استادان با درجه علمی استادیاری داشتند. جهت آزمون تفاوت بین میزان مطالعه‌ی تخصصی و غیر تخصصی استادان در دانشکده‌های مختلف، از تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید که طبق نتایج بدست آمده، تفاوت بین میزان مطالعه‌ی تخصصی و غیر تخصصی استادان به تفکیک دانشکده در سطح $0/05$ معنادار نیست. جهت بررسی تفاوت بین استادان زن و مرد در مطالعه‌ی تخصصی و غیر تخصصی از آزمون t مستقل استفاده گردید. نتایج همانطور که در جدول (۵) آورده شده است، نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین استادان مجرد و متأهل در میزان مطالعه‌ی تخصصی و غیر تخصصی وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

از این پژوهش استنتاج می‌شود که مطالعه‌ی تخصصی اعضای هیأت علمی دانشکده‌ی علوم (۱۹/۳۱ ± ۳۵/۲۹) بیشترین میزان و دانشکده‌ی علوم اجتماعی (۴/۶۲ ± ۱۲/۳۳) کمترین میزان را داراست. همچنین دانشکده‌ی کشاورزی و علوم اجتماعی به ترتیب حائز بالاترین و پایین‌ترین میزان میانگین به لحاظ مطالعه‌ی غیر تخصصی شده‌اند. نتایج این پژوهش با یافته‌های اشرفی ریزی و

دهندگان کسب کرده است. پر واضح است که علاقه‌ی شخصی انجام هر کار دشوار و سهل الوصولی را برای فرد تسهیل می‌کند، اما جای بسی شگفتی و البته تأسف است که رقابت سازنده با همکاران، به خصوص در افزایش میزان مطالعه "تخصصی" استادان، از کم اهمیت‌ترین مؤلفه به شمار می‌آید. آن هم در جامعه‌ای که برای صعود و فتح قله‌های علمی دنیا و دستیابی به اهداف تعیین شده در سند چشم انداز بیست ساله کشور، رقابت، حرف اول را می‌زند و طبعاً افرادی با روحیه‌ی جهادی را می‌طلبد و جز از این مسیر، رسیدن به مقصود یا بسیار دشوار یا امکان‌ناپذیر خواهد بود. هم‌چنین از میان عوامل مؤثر بر افزایش میزان مطالعه‌ی غیرتخصصی، افزایش اطلاعات عمومی (۲۶/۱۰ ± ۲/۱۹) از بیشترین فراوانی برخوردار است. در این راستا، ترکیان تبار نیز مهم‌ترین انگیزه مطالعه‌ی غیر درسی دانشجویان را آموزش و یادگیری ذکر کرده است (۵).

متأسفانه به دلیل اینکه در جامعه، اهمیت مطالعات غیر تخصصی به‌خوبی تبیین و آشکار نشده است؛ انجام این امر کاری خارج از اهمیت و لزوم در نظر گرفته می‌شود و حتی برای برخی افراد کاری بیهوده. نتیجه آنکه، انجام آن را به ساعاتی محدود و یا در زمانی نامناسب موکول می‌کنند، که این خود باعث کاهش میزان مطالعه غیر تخصصی مفید می‌شود.

در رابطه با مطالعه تخصصی، به دلیل داشتن اجبار از سوی نظام آموزشی حتی در صورت عدم علاقه، فرد را ملزم به اجرای آن می‌کند، اما مطالعات غیرتخصصی هیچ‌گونه اجباری به دنبال ندارد و البته از آن سو نیز می‌توان گفت آسودگی خاطر را برای افراد به وجود می‌آورد و در نتیجه با میل و رغبت بیشتری به این کار اقدام می‌کنند و به افزایش اطلاعات عمومی خود می‌پردازند.

در خصوص میزان افزایش سوق‌دهی مطالعات غیر تخصصی به سوی انجام پژوهشی در زمینه‌ی موضوعی غیر تخصصی است که نتایج، نشانگر آن است که، شرکت در "سمینار دیگر رشته‌ها" دارای بیشترین و "تألیف کتاب" دارای کمترین میزان انتخاب از سوی شرکت‌کنندگان بوده است. این امر ممکن است به دلیل سهولت در انجام آن باشد و یا اینکه داشتن تبحر در یک تخصص، خود مستلزم صرف سال‌ها تحقیق و مطالعه در آن رشته خاص است و سعی افراد بر اینکه حتی‌الامکان در حوزه تخصصی خود قلم بزنند، موجب این امر می‌شود.

در نتیجه می‌توان گفت که در اثر تمرکز بر یافته‌های پژوهش می‌توان این مسأله را بیان نمود که در میان قشر فرهیخته دانشگاهی، نیاز به اندیشیدن تمهیداتی در راستای هدفمند کردن مطالعه احساس می‌شود و این مهم محقق نخواهد شد، مگر با فراهم کردن زیر ساخت‌های مناسب در کشور از طریق فرهنگ سازی و اعمال سیاست گذاری‌های کلان جهت نیل به اهداف تعیین شده در سند چشم انداز بیست ساله کشور. استادان با مرتبه‌های علمی مختلف، از سوی نظام آموزشی جهت تدریس تعداد واحد مشخصی از دروس و همچنین انجام پژوهش ملزم هستند، ضمناً برخی از استادان دارای سمت‌های

آسیب‌زای مطالعه در بین افراد با مقاطع تحصیلی بالاتر کمتر است و این موضوع به افزایش میزان مطالعه آن‌ها نیز کمک خواهد کرد (۱۵). پس از بررسی میزان مطالعه، شناخت عوامل و میزان تأثیرگذاری آن‌ها باید مورد نظر قرار گیرد. مؤلفه‌های "عدم علاقه به رشته" و "مشکلات فردی" به ترتیب ($۱/۷۱ \pm ۳/۵۴$ و $۱/۲۵ \pm ۲/۶۵$) کمترین و بیشترین تأثیر را بر کاهش میزان مطالعه‌ی تخصصی استادان در بین مؤلفه‌های مورد بررسی اعمال می‌کند. مشکلات فردی خود شامل عناصر گوناگونی است که از آن جمله می‌توان به مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اشاره نمود. درگیری‌های ذهنی که ناشی از مشکلات فردی است، تا حدودی فرد را از انجام کارهای محوله آموزشی خود باز می‌دارد، کیفیت کار او را پایین آورده و شخص به ناچار، به انجام حداقلی وظایف خود اکتفا می‌کند. این مشکلات به نوبه خود باعث کاهش ساعات راحتی و فراغت اشخاص می‌شود و یکی از نتایج آن کم شدن ساعات مطالعه فرد در شبانه روز خواهد بود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که از بین مؤلفه‌های در نظر گرفته شده در بررسی مطالعه غیر تخصصی، "بالا بودن حجم تدریس" ($۱/۸۹ \pm ۰/۹۲۴$) به عنوان مهم‌ترین مانع مطالعه‌ی غیرتخصصی معرفی شده است. بدیهی است که دغدغه اصلی استادان در درجه اول رسیدن به حد مطلوب در وظایف محوله از سوی نظام آموزش عالی است که از آن جمله به مهم‌ترین آن می‌توان اشاره نمود که همان تدریس است. میزان ساعات تدریس در هفته، انجام پژوهش‌ها و مطالعات تخصصی نیازمند صرف زمان زیادی می‌باشد. قاعدتاً وقت مطالعه آزاد تا اندازه‌ای محدود شده و میزان آن کاهش می‌یابد. این یافته‌ها با پژوهش‌های شعبانی و فاضل (۴) همسو می‌باشد. در حالی که از نظر مرادمند (۱۰) و عصاره و گلچوبی، گرانی کتاب از جمله عوامل بازدارنده مطالعه غیردرسی دانشجویان و دانش‌آموزان بوده است (۱۶).

از سویی دیگر، می‌توان گفت به دلیل آنکه، فرهنگ اهمیت به مسائل مرتبط با دانش، جایگاه ارزشمند خود را در بین جامعه علمی حفظ نموده است، علاقه و انگیزه افراد برای تقویت این جایگاه، چه بسا هزینه‌های تحمیلی را برای آنها در پی خواهد داشت. و بنا به اصل اهم و مهم، صرف هزینه‌ای نسبتاً بالا، آن‌ها را از رسیدن به مقصود و پیمودن پله‌های ترقی باز نمی‌دارد. در ضمن تسهیلاتی که دولت جهت ارتقای منزلت علم در کشور و افزایش میزان کمی و کیفی تحقیقات در مراکز علمی همچون دانشگاه‌ها در اختیار استادان قرار می‌دهد، دغدغه کمتری برای تأمین منابع را برای استادان در پی خواهد داشت و تا حدودی از هزینه‌های تحمیلی به استادان کاسته می‌شود. بنابراین مؤلفه "هزینه بالای تهیه منابع" ($۱/۲۴ \pm ۳/۱۴$)، کمترین اهمیت را در بین استادان دارا بوده است.

بحث دیگر، در مورد دلایلی است که بر عوامل افزایش دهنده میزان مطالعه تخصصی تأکید دارد. یافته‌ها بیانگر آن است که "علاقه‌ی شخصی" ($۱/۱۹ \pm ۰/۳۴$) بالاترین میزان اهمیت و "رقابت سازنده با همکاران" ($۲/۴۸ \pm ۱/۱۵$)، کمترین میزان را در بین پاسخ

کاهش میزان مطالعه تخصصی استادان ذکر شد. یک مورد، سهل الوصول ساختن منابع مورد نیاز استادان است و شاید تا حدودی از طریق عدم تمرکز کتابخانه‌های دانشکده‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه بتوان به راهگشایی این مشکل کمک نمود.

دیگری نیز هستند که آن هم به نوبه خود مشغولیت جدیدی را برای آنان به دنبال خواهد داشت که این موارد تأییدی بر مسئله کمبود وقت استادان برای مطالعه است که لازم است راهکاری برای آن اندیشیده شود. با توجه به اینکه "مشکلات فردی" مهم‌ترین عامل موثر بر

References

1. Akbari, M. Look at the books and reading among the children and adolescents: a constant concern. Sureh Mehr Publications 2011; 124: 8. [In Persian]
2. Asadi Sarvestani K, Karami N. Review of Economic, Social and Cultural Factors and Challenges Pertaining to non-textbook Reading Tendencies by Youths: Case Study of Metropolitan Shiraz. Journal of Information Processing and Management 2008; 23(4): 71-84. Available at: <http://jipm.irandoc.ac.ir/article-1-15-fa.html> [In Persian]
3. Babalhavaeji F, Yazdian Rad M. Analysis of information science journals articles about promoting reading and Children's Library in 1999-2008. Research on information science and public library 2010; 16(4): 31-53. Available at: http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/38213896302.pdf. [In Persian]
4. Shabani A, Fazel M. Non Textbook Reading Habits of Students and Related Impact Factors of It: A Case Study of High School Students in Shahreza. National studies of information science and information organization 2002; 13(2): 47-55. Available at: http://nastinfo.nlai.ir/article_818_89.html. [In Persian]
5. Torkian Tabar M. Evaluation of trends in non-academic study among the students of Islamic Azad University of Doroud. Educational Research in Islamic Azad University of Bojnourd 2005; 2(4): 1-28. Available at: <http://www.ensani.ir/storage/Files/20120325161143-1068-21.pdf>. [In Persian]
6. Samanian M. Review of non-school study and identify the factors affecting their students in Bojnourd students of Islamic Azad University. Educational research of Islamic Azad University in Bojnourd 2005; 2: 75-84. [In Persian]
7. Javanbakht M. Check the status of graduate students studies in the University of Shiraz. Master's thesis of information science. Faculty of Education and Psychology, Shiraz University 2010. [In Persian]
8. Razavi Tusi M, Bagheri L. Comparing rate of studying between citizens in Tehran during two years (2008-2009). Culture Studies-Communications 2010; 11(11): 7-43. Available at: http://www.jccs.ir/article_3421_324b6d709a7ae39b517ace64aaf220aa.pdf. [In Persian]
9. Kiani Khuzestani H, Rezaei Sharifabadi S, Sam Sh. Check the status of reading in Shiraz housewives and working women. Library and Information Science 2010; 13(1): 133-50. Available at: http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/75113894908.pdf. [In Persian]
10. Moradmand A. Comparative Study of the Factors Encouraging or Inhibiting Informal Study from Viewpoint of Male and Female Graduate Students in Tarbiat Moallem Azerbaijan University 2010; 16(4): 135-166. Available at: <http://www.magiran.com/viewpdf.asp?no=1>. [In Persian]
11. Armstrong ML, Johnston BA, Bridges RA, Gessner BA. The Impact of Graduate Education on Reading for Lifelong Learning. The Journal of Continuing education in nursing 2003; 34(1): 19-25.
12. Banou C, Kostagiolas PA, Olenoglou AM. The reading behavioral patterns of the Ionian University graduate students: reading policy of the Greek academic libraries. Library management 2008; 29(6&7): 489-503.
13. Lone FA. Reading Habits of Rural and Urban College Students in the 21st Century. Library Philosophy and Practice 2011. Available at: <http://www.webpages.uidaho.edu/~mbolin/loan.htm>.
14. Ashrafi Rizi H, Taheri B, Khoshkam Z, Kazempour Z. A survey on level of students' familiarity with studying methods in Isfahan University of Medical Sciences (IUMS) in 2010. Iranian Journal of Medical Education 2011; 10(5): 1045-1055.
15. kazempour Z, Ashrafi Rizi H. A Study on damaging factors of effective study among students of Isfahan University of Medical Sciences (IUMS) in 2012. J Med Edu Dev. 2014; 7(15): 94-102.
16. Asareh F, Golchoubi T. Recognition and identification of the encouraging and inhibiting factors of free reading of the high school students in province of Mazandaran. Journal of Education and Psychology 2007; 13(4): 103-26.



Survey of study culture in Shiraz University's faculty members

Received: 21 Jan 2015

Accepted: 17 June 2015

Ebrahimi S (PhD)¹

Honarjooan Z (BA)¹

Setareh F (MA)^{1*}

Khosravyzade M (MA)²

1. Department of Knowledge and Information Science, College of Educational Science & Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

2. Department of Knowledge and Information Science, Regional information center for science and technology, Shiraz, Iran.

Corresponding Author:

Setareh F

Department of Knowledge and Information Science, College of Educational Science & Psychology, Shiraz University, Eram Square, Shiraz, Iran.

Email:

rahian1370@gmail.com

Abstract

Background and aim: The importance of studying in the development of the societies is quite clear and the faculties at the universities are supposed to try more in this area compared with ordinary people. The aim of this study was to determine the study culture in Shiraz University's faculty members.

Material and methods: This descriptive - analytical study was conducted on 603 faculty members of Shiraz University among whom 262 persons were randomly selected using questionnaires and the average of faculty members' study was based on the hours per week. For data analysis, one-way ANOVA and independent t-test were used.

Findings: According to the research findings, the faculty members of Science College and Social Science College got the highest and lowest quantity in specialized studying with the average of 35.29 and 12.33, respectively. In non-specialized studying, faculty members of Agriculture College and Social Science College got the highest and the lowest quantity with the average of 10.10 and 2.33, respectively. The findings of the present study revealed that non-specialized studying quantity was significantly higher in men than women ($p < 0.001$, $t = -3.68$).

Conclusion: The most important factor in reducing the amount of specialized and non-specialized studies of faculty members was individual problems and spending much time on teaching, respectively.

Keywords: Study culture, Faculty members, Shiraz University